

قطره‌ای از دریای فضایل حضرت خدیجه علیها السلام

هاشم اندیشه *

حیدر علی رستمی *

محمد امین سپاهیان *

چکیده

بی شک نایل شدن به مقامات و مراتب والا و کسب فضایل و عنایات و ویژه الهی و مشمول الطاف و رحمت خدا گردیدن، نمی‌تواند بی دلیل، اتفاقی و یکبارگی باشد، بلکه به‌طور قطع، باید عنایت و جذبۀ حق تعالی را هم داشته باشد. حضرت خدیجه علیها السلام نیز از آن دست انسانهاست که عنایات الهی شاملش گردیده و تا آنجا پیش رفته است که خداوند بر او سلام ویژه می‌فرستد! در روایت آمده است که جبرئیل نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: از جانب پروردگار به خدیجه سلام برسان. حضرت فرمود: ای خدیجه، این جبرئیل است که از طرف پروردگارت سلام می‌رساند. خدیجه گفت: خداوند سلام است و سلام از اوست و بر جبرئیل سلام باد!

در کلمات برخی از مؤرخان، به این جملات بر می‌خوریم:

«كَانَتْ خَدِيجَةُ اِمْرَاةً عَاقِلَةً شَرِيفَةً مَعَ مَا اَرَادَ اللهُ بِهَا مِنَ الْكِرَامَةِ وَالْخَيْرِ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ

* دانشجوی دکتری اصول الدین قم و واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
hashem.andisheh@gmail.com

* استادیار دانشگاه اصول الدین قم / hrostami20@yahoo.com

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی / gedamnend@gmail.com

أَفْضَلُهُمْ نَسَبًا وَأَعْظَمُهُمْ شَرَفًا وَأَكْثَرُهُمْ مَالًا» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۲۱).

«خدیجه علیها السلام با بزرگی و خیری که خداوند برای او اراده کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگ‌ترین شخصیت در شرف و ثروت بود.

ایمان حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و انتخابش به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی، نقش تعیین کننده‌ای در فضایل و مقامات او دارد.

این همه تجلیل و بزرگداشت از مقام خدیجه علیها السلام ما را بر آن می‌دارد که اندکی درباره شخصیت وی پژوهش کنیم و شاخصه‌هایی را که او را به چنین مرتبه‌ای رسانده است، برشماریم. در این مقاله کوتاه، به شیوه کتابخانه‌ای، به بررسی فداکاری‌ها و خدمات حضرت خدیجه به اسلام پرداخته‌ایم.

کلید واژه: پیامبر خدا، حضرت خدیجه، حضرت زهرا، روایات، الگوی زنان ایران اسلامی.

قرآن کریم، آنجا که می‌خواهد الگوها و اسوه‌ها را معرفی کند، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، الگوها و نمونه‌هایی از زنان وارسته؛ مانند حضرت مریم علیها السلام و همچنین زنان گمراه؛ مانند همسران حضرت نوح و لوط علیهم السلام را به جامعه و مؤمنان معرفی می‌کند؛ به همین دلیل، بیان فضایل و مقامات حضرت خدیجه علیها السلام می‌تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام از کامل‌ترین زنان و بهترین الگوهای است که فضایل و مقامات او به حد کمال رسیده است.

رسول اعظم این معنا را با بیانات و تعابیر مختلفی مطرح نموده است؛ از جمله اینکه فرموده‌اند:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ» (صالحی شامی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۹۵).

۱. نگرش الهی

نخستین ویژگی و خصوصیت حضرت خدیجه علیها السلام درک ارزش های واقعی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود. او معنای مقامات معنوی و کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون آن را تنها در وجود پیامبر خدا یافت، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک او فدا کند. وی در این راه، هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی اش.

خدیجه علیها السلام برای درک این کمال واقعی، قالب های جاهلی را شکست و بهایی سنگین؛ از جمله قطع رابطه زنان را، حتی تا زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام به جان خرید. خدیجه علیها السلام این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این گونه با پیامبر مطرح کرد:

«يَا ابْنَ عَمِّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ، وَ سِطَّتِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ، وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ» (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۸).

«ای پسر عمو، شیفتگی و اشتیاق من نسبت به تو، به خاطر خویشاوندی، بزرگواری و شرافت، امانت داری، خوش خلقی و راستگویی ات در میان مردم است.»

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه ای که عموم مردم و توده ها روابط خود را بر اساس ظواهر و زرق و برق های دنیوی پایه ریزی می کنند، نمی توانست پیامدهای تلخ و ناگوار نداشته باشد. لذا به فاصله ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی پرداختند و در محافل خود، او را سرزنش کردند. آنان می گفتند:

«او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است، ازدواج کرد! چه ننگ بزرگی؟!»

خدیجه علیها السلام در مقابل این جهالت ها ساکت نشست و آنان را به صرف غذا دعوت کرد و در پایان مهمانی، خطاب به آنان گفت:

«ای زنان، شنیده ام شوهران شما [و خودتان] در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خُرده گرفته اید و عیب جویی می کنید. من از خود شما می پرسم آیا در میان شما شخصیتی

مثل محمد وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن، شخصیتی در فضایل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟ من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت‌های ناروا به دیگران دهید. زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه علیها السلام، همگی سکوت کردند و به تدریج پراکنده شدند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۸۱).

این شیوه استدلال خدیجه علیها السلام که عمق ارزش‌گرایی او را در انتخابش نشان می‌داد، برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نبود؛ لذا زنان لجوج قریش به حالت قهر با او برخورد داشتند. آنها دیگر به خدیجه علیها السلام سلام نمی‌کردند و به دیدارش نمی‌رفتند. حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا علیها السلام متولد شد نیز این شیوه رفتاری همچنان پا برجا بود؛ لذا حتی هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشتند و پیام فرستادند که:

«تو با ما مخالفت کردی و همسر یتیم ابوطالب شدی! ما هرگز نزد تو نمی‌آییم و در هیچ کاری یاری‌ات نمی‌کنیم.»

این حجم از کینه‌ورزی‌ها دل خدیجه علیها السلام را آزرده تا آنجا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم و صفورا دختر شعیب پیامبر) را به یاری او فرستاد و بدین سان، پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام را به دنیا آورد (همان، ج ۱۶، ص ۸۰).

۲. احترام به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه علیها السلام به رغم داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه، در برخورد با پیامبر صلی الله علیه و آله همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری داشته باشد، از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای ازدواج او با پیامبر صلی الله علیه و آله سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافت و پیامبر خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار داد:

«به خانه خودتان وارد شوید. خانه من، خانه شماست و من کنیز شما هستم»؛
 «إِلَى بَيْتِكَ فَبَيْتِي بَيْتُكَ وَأَنَا جَارِيَتُكَ» (همان، ج ۱، ص ۴). و البته این همه احترام و
 پاسداشت به دلیل عقیده و ایمان او به توحید بود و بس (قمی، بی تا،
 ج ۲، ص ۵۷۰).

۳. تلاش برای جلب رضایت پیامبر

حضرت خدیجه تمام توان خود را به کار می برد تا امور منزل را مطابق میل رسول الله ﷺ اداره کند؛ از جمله اینکه چون به میزان علاقه پیامبر به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می کرد که پیامبر به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه را مانعی برای عبادتش نداند.

پیامبر قبل از بعثت، هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می گذراند (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۰۸) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت. لذا امام هادی می فرمود:

«پیامبر اسلام پس از سفر تجاری شام، در آمدش را میان فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفت و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می کرد.» (مجلسی، ج ۱۷، ص ۳۰۹).

حضرت خدیجه با درک چنین روحیاتی از پیامبر خدا، هرگز برای او مزاحمتی ایجاد نمی کرد و همیشه با همدلی و همراهی، او را بدرقه می کرد. غذایش را به وسیله حضرت علی به بالای کوه می فرستاد و گاه خود نیز با حضرت همراه می شد.

علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می نویسد:

«در آن ماه رمضان که پیامبر در کوه حرا به سر می برد و وحی و بعثت آغاز می شد، حضرت علی و خدیجه و یکی از غلامان در حضورش بودند.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۶۳).

برای نمونه، تنها یکی از این دست عبادت های پیامبر چهل روز به درازا کشید و حضرت

خدیجه تمام این مدت را به تنهایی گذراند.

چنین عبادت‌های طولانی به طور طبیعی می‌توانست موجب ناراحتی، دلشوره‌ها و نگرانی‌های مختلفی برای خدیجه ع شود. اما او نه تنها اعتراض نمی‌کرد، بلکه با پیامبر خدا همراهی نیز می‌نمود. لذا پیامبر ص که خود متوجه نگرانی‌های خدیجه ع بود، عمار را نزد او فرستاد و چنین پیام داد:

«ای خدیجه، گمان نکن کناره‌گیری من به دلیل بی‌اعتنایی به تو است. بلکه پروردگرم چنین فرمود: تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت اندیشه مکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می‌کند. پس وقتی شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.» (همان، ج ۱۶، صص ۸۰ - ۷۹).

همراهی و همدلی خدیجه ع و تلاش او برای کسب رضایت پیامبر ص به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت‌هایش به پیامبر ص گفت:

«من در حق شما کوتاهی کردم، عفو من کن!»، پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.» (همان، ج ۲، ص ۲۳۵).

۴. تصدیق و تأیید پیامبر

روایات بسیاری از پیامبر ص نقل شده است که گویای اهمیت رویکرد خدیجه ع به پیامبر در آن فضای جاهلی و غربت رسول الله ص است. وقتی که حتی بسیاری از بستگان پیامبر ع نیز پیامبر را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند، خدیجه ع به پیامبر ص روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش استوار ماند. پیامبر نیز بر اساس چنین فضیلتی از خدیجه ع بود که همواره تأکید می‌کرد: «خَدِيجَةُ وَ اَیْنُ مِثْلُ خَدِيجَةَ؟!»، از جمله زمانی که هاله، خواهر خدیجه ع برای زیارت رسول الله ص به مدینه آمد، پیامبر با دیدن او به یاد خدیجه ع افتاد و از شدت تأثر به خود لرزید. بعد از رفتن او، عایشه پرسید: چه قدر از پیر زن قریش که سال خوردگی، صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می‌کنی! با اینکه امروز روزگار، او را نابود کرده و خداوند همسری بهتر به شما بخشیده است؟!»

پیامبر فرمود:

«هرگز! به خدا سوگند هیچ گاه بهتر از خدیجه نصیبم نشد. او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند...» (همان، ج ۱۰، ص ۴۳۲).

۵. انفاق اموال

درباره مظاهر ثروت حضرت خدیجه نوشته اند:

«هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و جابه جا می کردند. بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می کردند و به فقرا کمک می شد. چهار صد غلام و کنیز، امور اقتصادی و شخصی او را اداره می کردند.» (همان، ج ۱۶، ص ۲۲).

با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج، نزد عمویش، ورقه بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت:

«این ها را نزد محمد صلی الله علیه و آله ببر و بگو این اموال هدیه به شماست و هرگونه بخواهی در آنها تصرف کن و هرچه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت، به او بخشیدم.»

ورقه بن نوفل، پسر عموی حضرت خدیجه نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت:

«ای عرب، بدانید که خدیجه شما را شاهد می گیرد که خود و همه ثروتش؛ از غلامان، کنیزان، املاک، دامها، مهریه و هدایایش را به محمد صلی الله علیه و آله بخشیده است و همه آنها هدیه ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه به خاطر علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.» (همان، ج ۱۶، صص ۷۷-۷۵).

دامنه این یاری مالی به سال های اولیه ازدواج ختم نشد؛ بلکه هنگام محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و حتی بعد از آن نیز اموال خدیجه رضی الله عنها در نجات اسلام و مسلمانان نقشی اساسی داشت، تا آنجا که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی؛ مانند ثروت خدیجه به من سود نرساند.» (همان، ج ۱۹، ص ۶۳).

۶. صبر و بردباری

خدیده رضی الله عنه صبر و تحمل را در زندگی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه‌های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل ویژه‌ای از خود نشان می‌داد؛ از جمله در واقعه شعب ابی طالب که موجب تحلیل قوای جسمانی خدیده رضی الله عنه شد؛ به اندازه‌ای که اندکی پس از پایان محاصره، وفات یافت. در این محاصره یاران پیامبر (چهل نفر) جز در چهار ماه حرام، مابقی ایام سال را در گرمای داغ تابستان و بیابان خشک و... می‌گذراندند. خدیده رضی الله عنه که در این زمان ۶۳ تا ۶۵ ساله بود، در شمار محاصره‌شدگان قرار داشت.

میزان فشاری را که بر محاصره‌شدگان وارد می‌شد، می‌توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می‌گفت:

«شب‌ها از دره بیرون آمدم. از شدت گرسنگی، تمام توانم را از دست داده بودم. چشمم به پوست خشکیده شتری افتاد. آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم (طبری، ج ۲، ص ۷۹).

در این دوره حتی برخی بستگان پیامبر نیز با بی‌رحمی تمام بر این فشارها می‌افزودند که از جمله آنها می‌توان از ابوجهل نام برد که مانع می‌شد تا حکیم بن حزام به عمه‌اش، خدیده رضی الله عنه، حتی از اموال خود خدیده آذوقه برساند (مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۸).

۷. انیس پیامبر

با این همه سختی و فشار، خدیده رضی الله عنه خم به ابرو نمی‌آورد و در تمام دوران زندگی، چه قبل و چه بعد از بعثت، به‌سان بانویی شفیق، گرد وجود پیامبر می‌گشت و با سیمای خندان خود غم‌ها را از رخ پیامبر می‌زدود و مانند وزیر و کمک‌رسانی توانمند، او را یاری می‌کرد. ابن هشام می‌نویسد:

«خدیده رضی الله عنه به پیامبر ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد و... خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد؛ به گونه‌ای که هیچ خبر ناراحت‌کننده‌ای از قبیل رد و تکذیب را نمی‌شنید؛ مگر اینکه خداوند به وسیله خدیده رضی الله عنه

برایش گشایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه علیها السلام بر می گرداند، دشواری ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش نموده، اعمال مردم را [که موجب آزار شده بود] بی اهمیت جلوه می داد. رحمت خدا بر او باد! (طبری، ج ۱، ص ۵۲۱).

«حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان با این سخن پیامبر روشن می شود که: «مَا أُودِي نَبِيٌّ مِّثْلَ مَا أُودِيَتْ» (مجلسی، ج ۳۹، ص ۱) و خدیجه علیها السلام در تمام این آزارها، یار و غمزدای پیامبر بود.

۸. مجاهدت و دفاع از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

از مصادیق مجاهدت خدیجه علیها السلام می توان به موضوع پذیرش اسلام در سال های جهل و گمراهی، و نیز تقیه شدید در اوضاع وحشتناک آن عصر اشاره کرد. خطر پذیرش اسلام در آن دوره به حدی بود که امام صادق علیه السلام می فرمود: «پیامبر خدا پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست، علی و خدیجه علیها السلام با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه می کردند» (ابن اثیر، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۲۴).

یک بار هم که جهال عرب با سنگ پرانی، حضرت را زخمی کردند و در پی او تا خانه خدیجه علیها السلام آمدند و خانه را سنگباران کردند، خدیجه علیها السلام بیرون آمد و گفت: «آیا از سنگباران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟» و مردم با شنیدن این سخن شرمنده و متفرق شدند و آن گاه خدیجه علیها السلام به مداوای همسرش شتافت. در همین واقعه بود که پیامبر از سوی خداوند به او سلام رساند و خدیجه علیها السلام در برابر سلام الهی گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ وَبَرَكَاتُهُ» (همان، ج ۴، ص ۱۱۱).

۹. ایمان و اسلام محکم و پایدار

بصیرت و ژرف نگری حضرت خدیجه علیها السلام که باعث انتخاب محمد صلی الله علیه و آله برای همسری اش گردید، همان، عامل ایمان و اسلام او نیز گشت و باعث شد که لقب اول زن مسلمان را به خود اختصاص دهد.

«ابن عبدالبر» به سند خود از پدر «ابی رافع» نقل می کند که پیامبر خدا در روز دوشنبه (مبعث)، نماز اقامه کرد و خدیجه علیها السلام در [ساعات] آخر همان روز نماز خواند (همان، ج ۲، ص ۴۱۹). علی علیه السلام این گونه بر ایمان و اسلام خدیجه علیها السلام صحه گذاشته است:

«لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يُؤْمِنُ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمْ. أَرِي نُورَ الْوَحْيِ وَ الرِّسَالَةَ وَ أَشْمُ رِيحَ النُّبُوَّةِ» (ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۹۷).

«خانه‌ای واحد در آن روز، در اسلام جمع نشد، غیر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و من که سومین آنان بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.»

خدیجه علیها السلام تا آخرین لحظه بر ایمان خویش پای فشرد و در راه اسلام فداکاری و گذشت کرد و یک لحظه از رهبر اسلام و حمایت از او غافل نشد.

۱۰. از برترین بانوان دو سرا

برترین زنان جهان هستی چهار نفرند؛ چنان که ابن اثیر از انس بن مالک از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيَةُ، خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ» (صدوق، باب خصال اربعه).

همین زنان که کوله بار کمال را در دنیا بستند، در بهشت نیز در صدر قرار دارند و خدیجه کبریا علیها السلام از جمله آنهاست. عکرمه از ابن عباس، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ» (ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۴۱).

۱۱. برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همسران متعددی داشتند؛ که آنان از در مقامات و درجات معنوی یکسان نبودند. برخی از ایشان حتی آن حضرت را - چه در زمان حیات و چه بعد از رحلتش - آزرند و بر خلاف دستورات او رفتار کردند که همین امر باعث تنزل مقام و منزلتشان شد. ولی خدیجه کبریا علیها السلام با تمام وجود و هستی خویش در راه اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و جلب رضایت او کوشید و در نتیجه وی در بین تمام همسران آن حضرت، ممتاز بود.

مرحوم شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:
 «تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ بِخَمْسِ عَشْرَ امْرَأَةً أَفْضَلَهُنَّ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ»؛ (صدوق،
 ۱۳۸۲ش، باب خصال اربعه).

۱۲. مادر زهرا علیها السلام

به فرموده قرآن کریم همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، مادران روحانی مؤمنان و ام المؤمنین اند؛ ﴿وَازْوَاجَهُ
 أُمَّهَاتُهُمْ﴾ (احزاب: ۵) و خدیجه علیها السلام از برترین آنها است و این سعادت از میان زنان
 حضرت، نصیب خدیجه علیها السلام شد که یازده امام از طریق فاطمه زهرا علیها السلام از نسل او پدید
 آمد. روشن است که چنین مقام و جایگاهی، نیاز به لیاقت و استعداد بالا دارد.
 از بین همه فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام از مقام ممتازی برخوردار
 است؛ چرا که هم دارای عصمت است (احزاب: ۳۳) و هم امامت و وصایت از طریق نسل
 او استمرار یافت.

۱۳. سلام خاص خدا بر خدیجه

خداوند متعال بارها سلام مخصوص و مؤکد خود را توسط جبرئیل به محضر
 خدیجه علیها السلام رسانده است. ابوهریره نقل کرده است:

«أَتَى جَبْرَائِيلُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ مُغَطَّى فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ
 أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا، وَ مِنِّي السَّلَامُ...» (مجلسی،
 ج ۱۶، ص ۸).

«جبرئیل نزد پیامبر آمده، گفت: خدیجه همراه با ظرفی سرپوشیده که در آن
 خورشت یا غذا یا نوشیدنی است، نزد تو می آید؛ پس هرگاه آمد، سلام
 پروردگارش و سلام من را به محضر او برسان...»

در روایت دیگری آمده است:

«أَنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَى النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: أَقْرِي خَدِيجَةَ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله
 يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُقْرِئُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ قَالَتْ خَدِيجَةُ اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ

وَ عَلَى جَبْرِئِيلَ السَّلَامُ» (همان، ص ۱۱).

«جبرئیل نزد پیامبر آمد، پس گفت: به خدیجه علیها السلام از طرف پروردگار سلام برسان. پس حضرت فرمود: ای خدیجه، این جبرئیل است که از طرف پروردگارت سلام می‌رساند. خدیجه علیها السلام گفت: «خدا سلام است و سلام [و سلامتی] از اوست و بر جبرئیل سلام باد!»

۱۴. کفن بهشتی

در لحظات احتضار خدیجه کبرا علیها السلام اسماء بنت عمیس را نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه علیها السلام به او سفارش‌هایی کرد. آن‌گاه فاطمه را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه قرار داد که از آن حضرت درخواست کند تا یکی از لباس‌های خود را کفن وی قرار دهد. وقتی فاطمه نزد پدر رفت و تقاضای مادر را مطرح کرد، اشک از چشمان حضرت جاری شد! چیزی نگذشت که جبرئیل نازل شد، درحالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای خدیجه علیها السلام فرستاده بود.

آری، انسانی که تمام ثروت خویش را در راه خدا تقدیم می‌کند، در پیشگاه الهی چنان عظمتی می‌یابد که خداوند کفن بهشتی برای او می‌فرستد، و این‌گونه از ایثار و انفاق او قدردانی می‌کند.

۱۵. در قصری از بهشت

پیش از آنکه حضرت خدیجه رحلت نموده، از دنیا برود، خداوند متعال بارها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه او در بهشت خبر داد.

از عبدالله جعفر نقل شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ» (همان، ص ۷).

«دستور داده شده‌ام که خدیجه را به خانه‌ی طلایی که در آن زحمت و خصومت وجود ندارد، بشارت دهم.»

این مضمون همچنین از عبدالله بن ابی‌وفی از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده است (همانجا).

آن گاه که پیامبر خدا ﷺ در حال احتضار بود، فاطمه زهرا عليها السلام درباره جایگاه آن حضرت در قیامت پرسش هایی کرد؛ از جمله اینکه پرسید:

«أَيْنَ وَالِدَتِي خَدِيجَةُ؟»

پیامبر خدا فرمود: «فِي قَصْرِ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ» (همانجا).

نتیجه گیری

ایمان خدیجه به پیامبر ﷺ و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی، نقش تعیین کننده ای در فضایل و مقامات خدیجه عليها السلام دارد. این فضایل عبارت اند از:

۱. او ارزش های واقعی پیامبر ﷺ را در برابر فریندگی های ظاهری و دنیوی فهمید و درک کرد؛
۲. معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون آن را تنها در وجود پیامبر ﷺ یافت، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند؛
۳. خدیجه عليها السلام به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه ای که داشت، در برخورد با پیامبر ﷺ همواره حرمت او را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشان دهنده اظهار برتری باشد از خود بروز نمی داد؛
۴. خدیجه عليها السلام صبر و تحمل را در زندگی با پیامبر خدا ﷺ پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری ویژه ای از خود نشان داد؛
۵. با این همه سختی و فشار، خدیجه عليها السلام خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت، شفیقانه گرد وجود پیامبر می گشت و با سیمای خندان خود غم ها را از رخ آن حضرت می زدود و به سان یاور، وزیر و کمک رسانی توانمند، او را یاری می کرد؛
۶. خدیجه عليها السلام برترین همسر پیامبر خدا ﷺ و از برترین بانوان دو سراسر است؛
۷. خدا و جبرئیل بر خدیجه عليها السلام سلام کرده اند؛
۸. خدیجه عليها السلام ام المؤمنین و مادر خیرالنساء است.

* قرآن.

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین (بی تا)، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱ش)، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲ش)، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر.
۴. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بی جا، بی نا.
۵. صالحی شامی، محمد بن یوسف (بی تا)، سبل الهدی والرشاد، فی سیره خیر العباد، بی جا، بی نا.
۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه.
۷. قمی، عباس (بی تا)، منتهی الآمال، قم، هجرت.
۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار لدرر الاخبار الائمة الأطهار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.